توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۲۸ / سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۹ / ۳۱ جولای ۲۰۱۸

PDF Compressor Free Version

پسر دانشجو با دروغ های الهه قاتل شد

دستور قتل پدر از سوی دختر فریبکار



گروه حوادث: پسرجوان که با همراهی دختر مورد علاقه اش پدر او را کشته است باور ندارد این دختر اصرار به قصاص دارد.

مسعود ۲۶ ساله کارشناس ارشد بود که دل به دختری دانشجو داد اما در خواستگاری فهمید پدر مینا می خواهد دخترش را به عقد پسر عمویش درآورد.

۷ سال قبل

۷ سال پیش بود که همزمان با گمشدن مردی ۵۲ ساله به نام منوچهر خانواده ای نگران نزد پلیس رفتند و ادعا کردند پدرشان برای رفتن به خانه برادرش که در تهران واقع است سوار بر خودرویش از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است. هیچ اثری از منوچهر نبود تا اینکه جنازه سوخته مردانه ای در بیابان های حاشیه شهر پیدا شد و همه بررسی ها نشان داد جسد متعلق به پدر گمشده است.

هیچ اثری از خودروی سمند منوچهر در دست نبود و تحقیقات نشان داد منوچهر به تهران نرفته و خارج از شهر به قتل رسیده است.

خانواده منوچهر در بازجویی ها ادعا کردند منوچهر هر وقت می خواست به تهران برود برای اینکه تنها نباشد مسافران بین راهی را سوار می کرد وهمین کافی بود تا انگیزه قتل بخاطر سرقت سمند توسط مسافران بین راهی پیش روی پلیس قرار گیرد.

تسلیم قاتل

۳ ماه بعد از این جنایت آتشین و در حالیکه هیچ اثری از قاتلان در دست نبود پسری آشفته و گریان با پای خود نزد پلیس رفت وادعا کرد قاتل منوچهر است.

مسعود که عذاب وجدان بسیاری داشت در همان ابتدا با بیان اینکه دختر منوچهر با وی همدست بوده است گفت که عشق کورش کرده بود و از همان زمان جنایت عذاب وجدان دارد.

با راهنمایی های مسعود خیلی زود ماشین سمند منوچهر که در خانه پدربزرگ این قاتل پارک بود پیدا شد و ماموران بلافاصله الهه را که در ختر مقتول بود دستگیر کردند.

اعتراف الهه

الهه که از اعتراف مسعود خیلی ناراحت بود در بازجویی ها ادعا کرد تمایلی به ازدواج با پسرعمویش نداشت و وقتی عاشق پیشگی مسعود را دیده از آن برای حذف پدرش سو اتفاده کرده است و این در حالی بود که قصدی برای ازدواج با مسعود هم نداشته است.

الهه گفت: من دخالت مستقیمی در قتل نداشتم مسعود به تنهایی پدرم را کشته و من بعد از قتل در جریان قرار گرفتم اما می دانستم ماشین در خانه پدربزرگ مسعود نگهداری می شود.

قصاص

مسعود و الهه به اتهام های قتل و معاونت در قتل منوچهر محاکمه شدند و مشخص شد دختر منوچهر مسعود را در همه مراحل قتل از راه دور همراهی می کرد. بعد از پایان جلسه محاکمات مسعود با تقاضای خانواده منوچهر به قصاص نفس و بخاطر آتش زدن جسد به پرداخت دیه محکوم شد و الهه نیز با وجود گذشت خانواده اش به تحمل ۷ سال زندان با احتساب ایام بازداشتی محکوم شد. این حکم با اعتراض مسعود والهه به دیوانعالی کشور ارجاع داده شد وقضات آن را مورد تایید قرار دادند.

ثانیه های دلهره

مسعود دیگر امیدی برای رهایی از دار مجازات ندارد پیشانی اش عرق کرده ولکنت خاصی دارد:

گفت و گو با اعدامی

■ **سن زیادی نداری؟**

۲۶ سال بیشتر ندارم اما وجودم پیر شده است.

■ **میزان تحصیلات؟**

روزی که جنایت رخ داد دانشجو بودم ۲ روز در هفته برای رفتن به دانشگاه به تهران سفر می کردم حالا لیسانس دارم در زندان ادامه تحصیل دادم.

■ **الهه را دوست داشتی؟**

بله اولین بار وقتی از تهران به شهرمان برمی گشتیم با او در اتوبوس آشنا شدم او از دوستی می ترسید همان زمان دل به الهه بستم مرتب از پدرش می گفت و اینکه می ترسد.

■ **چرا؟**

می گفت محکوم است با پسرعمویش ازدواج کند چون در خانه شان پدرسالاری است و او چنین چیزی را می خواهد.ای کاش می دانستم چه عاقبتی دارد و هنوز عاشق الهه نشده بودم از این فضا خارج می شدم.

■ **چرا ماندی؟**

نگرانش شدم.

■ **چرا نگرانش شدی مگر ربطی به تو داشت؟**

ربطی که نداشت اما فکر می کردم زن رویاهایم است و همیشه نگرانش بودم.

■ **چرا؟**

پدری سختگیر و شکاک داشت بارها دیدم که الهه کتک خورده و بدنش کبود است من دل داشتم و خیلی به هم ریخته بودم می خواستم او رانجات بدهم.

■ **الهه چه خواسته ای داشت؟**

تا روزیکه به خواستگاری اش رفتم فقط می گفت من را نجات بده بعد که پدرش البته با احترام اما با قاطعیت جواب منفی داد خواسته اش تغییر کرد و مدام می خواست پدرش را از صحنه روزگار حذف کنم.

■ **چه چیزهایی می گفت؟**

مدام از پدرش و رفتارهای خشن او دم می زد تا جاییکه فکر می کردم فقط من می توانم او را نجات بدهم او عاشقانه من را دوست داشت البته انگار همه چیز بازی بود.

■ **یعنی بعد از قتل پدرش تغییر کرد؟**

خیلی فرق کرد انگار الهه من را فریب داده است او می خواست پدرش را به قتل برسانم و من هم چنین اشتباه بزرگی کردم.

الهه خواست پدرش را به قتل برسانم باور نمی کردم چیزی که مدتهاست در ذهن من است را از زبان الهه بشنوم او گفت و من پذیرفتم خیلی زود نقشه اش را هم کشیدیم.

■ **نحوه قتل؟**

الهه گفت پدرش گاهی به تهران می رود و مسافر دربستی سوار می کند و از من خواست با اطلاعی که او می دهد به عنوان مسافر سوار ماشین پدرش شده و با آبمیوه مسمومی که در اختیار داشتم پدرش را بی هوش و سپس به قتل برسانم من هم روز قتل در میدان خروجی شهر ایستادم و به محض رسیدن پدر الهه با مبلغ وسوسه کننده ای خواستم من را به تهران برساند او سوارم کرد در بین راه وقتی با آبمیوه او را بی هوش کردم به سمت بیابان رفته و پس از خفه کردنش جنازه را آتش زدم و سریع به خانه برگشتم الهه خیلی زود در جریان قرار گرفت او گریه کرد احساس کردم بخاطر مرگ پدرش است اما بعد فهمیدم از خوشحالی گریه کرده است.

■ **چه شد تسلیم پلیس شدی؟**

من الهه را دوست داشتم اما او دروغ می گفت و احساسی به من نداشت بعد فهمیدم عاشق پسرخاله اش که در تهران زندگی می کند است و از روز اول دنبال این بود تا از دست پدرش خلاص شو هر وقت با او تماس می گرفتم و می خواستم همدیگر را ببینیم می گفت از قاتل می ترسد حتی تهدیدم هم می کرد من که عذاب وجدان داشتم بی وفایی الهه مزید بر علت شد تا تسلیم پلیس شوم.

■ **دیگر الهه را دوست نداشتی؟**

نه به تنفر رسیده بودم او مار خوش خط و خال بود

■ **وانتقام الهه از تو؟**

او چون خودش قصاص نمی شود و باید در زندان بماند اصرار به اعدام من دارد.

■ **چرا؟**

خب باعث شدم به پسرخاله اش نرسد و همه بدانند او در قتل پدرش نقش داشت.

■ **دروغ نمی گویی؟**

خیر.

■ **باز هم الهه را دوست داری؟**

باور می کنید از او تنفر دارم.

■ **از مرگ می ترسی؟**

خیلی خصوصا اینکه می دانم پدرو مادر منوچهر حتی الهه قصاص می خواهند و حتما اعدام خواهم شد من شرمنده پدر و مادر عزیزم هستم آنها من را افتخار خود می دانستند و اما من قاتل شدم.

■ **پشیمانی؟**

شرمنده هستم عذاب وجدان دارم بازی بدی خوردم و امیدوارم روزنه ای برای نجاتم باشد.

اخبار حوادث

صدور کیفرخواست برای بازیکن سابق تیم ملی ایران

شعبه دوم دادسرای فرهنگ و رسانه، کیفرخواست قرار جلب به دادرسی پرونده مهرداد میناوند بازیکن اسبق پرسپولیس را صادر کرد. علیرضا مشهدی زاده وکیل مدافع مهدی رحمتی با اعلام این خبر گفت که پرونده مهرداد میناوند باشکایت رحمتی در دوازه بان استقلال تهران و به اتهام توهین تشکیل شده است. به گفته این وکیل دادگستری، پرونده شکایت رحمتی از میناوند با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده اما هنوز زمان رسیدگی تعیین نشده است. به گزارش تسنیم، شهریور سال ۱۳۹۶ بود که مهرداد میناوند در یک برنامه زنده تلویزیونی اظهاراتی را درباره سیدمهدی رحمتی کاپیتان تیم فوتبال استقلال تهران مطرح کرد که این موضوع با واکنش رسمی باشگاه استقلال و شخص رحمتی همراه شد و ماجرا نیز بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. به دنبال آن، رحمتی با مراجعه به دادسرای فرهنگ و رسانه از میناوند شکایت کرد.

مجرم متجاوز به نوجوان شیرازی مربی نبوده است



مربی متجاوز به نوجوان شیرازی هیچگونه کارت مربیگری نداشته است. حیدر علی کامیاب مدیر کل ورزش و جوانان فارس با اشاره به اینکه مربی متجاوز به نوجوان شیرازی هیچگونه کارت مربیگری نداشته تاکید کرد: در بررسی های انجام شده کارت مربیگری فرد متجاوز چندین سال قبل باطل شده بود. وی تصریح کرد: استفاده از این مربی در هر باشگاهی ممنوع بوده و امروز مسئول باشگاه باید پاسخگوی استفاده از این فرد باشد. مدیر کل ورزش و جوانان فارس یادآور شد: اگر ثابت شود که این فرد به عنوان مربی در این باشگاه مشغول به کار بوده ما از این مجموعه اعلام جرم خواهیم کرد. کامیاب تاکید کرد: طبق قانون هر فردی که بخواهد کارت مربیگری دریافت کند باید آزمون های مختلفی را بگذراند و سپس مجوز کار خواهد یافت و این بخشنامه به تمامی هیات های ورزشی ابلاغ شده است.

قاتل فراری در هرسین دستگیر شد

قاتل فراری که در شهر هرسین مردی ۳۷ ساله را به دلیل اختلافات ملکی در شهرستان نورآباد به قتل رسانده بود، دستگیر شد. محمدرضا آمویی معاون اجتماعی پلیس استان کرمانشاه گفت: به دنبال دریافت اطلاعاتی مبنی بر اینکه قاتل فراری که با همدستی فرزندش مرداد ماه سال گذشته مردی ۳۷ ساله را در یکی از روستاهای شهرستان نورآباد استان لرستان با اسلحه به قتل رسانده و در شهر هرسین مخفی شده است، موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت. وی ادامه داد: با افزایش دامنه اطلاعاتی پلیس، مخفیگاه قاتل و فرزندش شناسایی و در عملیاتی ضربتی و غافلگیر کننده پس از مقداری درگیری در نهایت تسلیم ماموران شدند.

نجات معجزه آسای جوان هندی از حادثه هولناک



یک مرد جوان هندی پس از تصادف مرگباری که داشت به طور معجزه آسایی زنده ماند. احمد طریقه ۲۴ ساله و دوستانش به علت سرعت زیاد ماشین، در اتوبانی چپ می کنند و میله ای بزرگ داخل سر محمد می رود که طبق گفته های پزشکان بیمارستان، میله آهنی از مغز او و جمجمه اش عبور کرده و بعد به پشت سرش آمده است. پس از چند ساعت عمل طاقت فرسا، پزشکان توانستند جان او را در اوج ناامیدی نجات بدهند. به گفته یکی از جراحان: این یکی از سخت ترین عمل های تیم پزشکی بود، ما فکر نمی کردیم که او از شدت خونریزی و جراحت زنده بماند به دلیل این که خون زیادی از دست داده بود و مغز و جمجمه اش به شدت دچار آسیب شده بود اما توانستیم با کمک پزشکان حاذق جان محمد را نجات دهیم.

خبر

پزشکی قانونی مهر تایید زد

سمفونی شیطانی استاد گیتار برای دختر ۱۶ ساله

گروه حوادث: استاد گیتار که ادعا می کرد دختر نوجوان را مورد آزار و اذیت قرار نداده با توجه به نظریه پزشکی قانونی محکوم شناخته شد. اوایل اردیبهشت ماه امسال زنی سراسیمه پای در اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران گذاشت و از ماجرای آزار و اذیت دخترش توسط مرد همسایه پرده برداشت.

مادر دختر جوان به ماموران گفت: مانی ۴۸ ساله که استاد گیتار است چندی پیش به ساختمان مان آمد و با ما همسایه شد، هر شب صدای نواختن گیتار او به گوش می رسید و همین باعث شد تا دخترم شبنم به موسیقی علاقه مند شود.

وی ادامه داد: وقتی دیدم دختر ۱۶ ساله ام علاقه به نواختن گیتار پیدا کرده به سراغ مانی رفتم و قرار شد دخترم به عنوان هنرجو در کنار او نواختن گیتار را یاد بگیرد.

زن جوان افزود: دخترم هر هفته به خانه مانی می رفت و آموزش گیتار می دید. کمکم احساس می کردم رابطه آنها با هم صمیمانه شده است. چند روز پیش وقتی دخترم به خانه برگشت بسیار ترسیده بود و حال طبیعی نداشت. وقتی علت ماجرا را از او پرسیدم شبنم با گریه به من گفت که از سوی استاد گیتار مورد آزار قرار گرفته است. دخترم در این چند روز مدام گریه می کند و حالا هم حاضر نشده همراه من برای شکایت به اداره پلیس بیاید. با شکایت این زن دختر نوجوان تحت بازجویی قرار گرفت و به پزشکی قانونی معرفی شد. وقتی کارشناسان پزشکی قانونی آزار و اذیت را تایید کردند شبنم به ماموران پلیس گفت: استاد گیتارم به من ابراز علاقه کرده بود، او یک روز به بهانه ضبط صدا در استودیو مرا به خارج از تهران برد و مورد آزار قرار داد.

همین کافی بود تا ماموران در عملیات پلیسی این استاد گیتار را دستگیر کنند اما وی ادعا می کرد بیگناه است و در این مدت به دختر نوجوان نواختن گیتار را آموزش داده است.

وی دیروز در شعبه ۷ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی کیخواه و با حضور یک مستشار پشت درهای بسته و غیرعلنی پای میز محاکمه ایستاد.

در این جلسه متهم ادعا کرد دختر نوجوان



را آزار نداده است. وی گفت: شبنم به موسیقی علاقمند بود و اصرار داشت یکبار هم که شده همراهم به استودیوی ضبط صدا بیاید. او با میل خودش همراهم به استودیو آمد. من و او رابطه صمیمانه ای با هم داشتیم. حتی او بارها به من ابراز علاقه کرده بود و با هم به گردش و تفریح رفته بودیم ولی من هرگز او را آزار نداده ام. بنا به این گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و با توجه به نظریه پزشکی قانونی و مدارک موجود در پرونده استاد گیتار را به ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال تبعید محکوم کرد.

راز این حادثه خونین ۱۲ ساله شد

حمله مرگبار ۴ مرد به زانتیایی در جاده تاریک

گروه حوادث: معمای حمله مرگبار ۴ مرد به زانتیایی در جاده تاریک پس از ۱۲ سال هنوز پیچیده است.

حمله در تاریکی

رسیدگی به این پرونده از پاییز سال ۹۵ به دنبال کشته شدن راننده خودروی زانتیا به نام علی در جاده پاکدشت در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می داد ۴ مرد ناشناس شبانه راه زانیتا را بستند و یکی از آنها با کلاشینکف راننده را هدف رگبار گلوله قرار داده سپس پا به فرار گذاشته اند.

شاهد جنایت چه گفت؟

یکی از برادران علی که شاهد جنایت بود به ماموران گفت: من روی صندلی کنار خودروی برادرم نشسته بودم و برادر کوچک مان روی صندلی عقب بود. وی افزود: ساعت ۱۲ شب بود که از پاکدشت به تهران برمی گشتیم که چهار مرد ناشناس در جاده سد راهمان شدند. به محض اینکه علی ترمز کرد یکی از آنها کلاشینکفی را که در دست داشت مقابل برادرمان گرفت و به علی شلیک کرد. مردان ناشناس صورت هایشان را پوشانده بودند و قابل شناسایی نبودند، شوکه شده بودیم و ۴ مرد پس از قتل برادرمان با استفاده از تاریکی ناپدید شدند.

نخستین سرنخ

به دنبال اظهارات برادر قربانی تحقیقات پلیسی آغاز شد و ماموران به اختلاف های دنباله دار علی و برادرانش با مرد جوانی به نام جواد و خانواده وی پی بردند. تجسس های پلیسی نشان از آن داشت که چند سال قبل برادر جواد با شلیک گلوله کشته شده و قاتل وی هرگز شناسایی نشده بود و این در حالی بود که خانواده جواد همیشه علی و برادرانش را در این جنایت مقصر می دانستند.

بی گناهیم!

در حالی که فرضیه جنایت کینه جویانه قوت گرفته بود جوادو ۳ برادرش بازداشت شدند و خودشان را بی گناه خواند.

جواد گفت: ما از قبل بر سر زمینی در پاکدشت با علی و برادرانش اختلاف داشتیم. علی و برادرانش بارها ما را به مرگ تهدید کرده بودند به همین خاطر وقتی برادرمان از سوی یک ناشناس کشته شد شک نداشتیم که خانواده علی در این ماجرا دست دارند. به همین خاطر آنها را به عنوان مظنون معرفی کردیم ولی مدرکی علیه آنها به دست نیامد. بعد از آن ماجرا دیگر رابطه خوبی با آنها نداشتیم ولی هرگز به فکر انتقام جویی نیفتادیم و نمی دانیم چه کسی علی را شبانه کشته است. در حالی که اولیای دم علی اصرار به گناهکاری جواد داشتند وی به اتهام قتل و ۳ برادرش به اتهام معاونت در شلیک شبانه پای میز محاکمه ایستادند و قضات دادگاه جواد را به قصاص محکوم کردند.

۱۲ سال بعد

این حکم بعد از ۱۲ سال به خاطر برخی ایرادهای قضایی و حضور شاهدانی که خانواده وی به دادگاه معرفی کرده بودند در دیوان عالی کشور شکسته شد و جواد روز گذشته در شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی شقاقی و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه اولیای دم برای جواد حکم قصاص خواستند. سپس جواد رو به روی قضات ایستاد و گفت: من از اول هم گفته بودم بی گناهی و بی دلیل بازداشت شده ام. قبول دارم من و برادرانم از علی و خانواده اش کینه به دل داشتیم ولی هرگز دست به قتل نزدیم. وی ادامه داد: شبی که علی در جاده پاکدشت کشته شد، من میهمان خانه یکی از اقوام بودم. حتی توانستم چند نفر از آنها را به عنوان شاهد به دادگاه معرفی کنم تا شهادت دهند، آن شب من در محل جنایت نبوده ام. به همین خاطر هم حکم قصاصم شکسته شد ولی بعد از آن برادران علی شاهدان دیگری را به دادگاه معرفی کردند که شهادت دهند من آن شب در خانه بستگانم نبوده ام. آنها اصرار دارند تا هر طور شده مرا به عنوان قاتل برادرانشان معرفی کنند و مرا به پای چوبه دار ببرند ولی باور کنید من بی گناه هستم. بنا به این گزارش، با پایان دفاعیات این متهم هیات قضایی وارد شور شد تا با توجه به مدرک های موجود در پرونده رای صادر کند.